انترناسیونال 817

علی جوادی

**تشدید کشمکش میان حکومت اسلامی و آمریکا**

**کدام چشم انداز؟ کدام سیاست؟**

کشمکش و تقابل میان آمریکا و حکومت اسلامی در هفته های اخیر بطور قابل توجه ای افزایش یافته است. به سئوالات متعددی در این زمینه باید پاسخ داد: احتمال حمله نظامی چیست؟ سیاست اصولی در قبال این کشمکش کدام است؟ نقد ما به گرایشات راست پروغربی و ملی اسلامی در قبال این تحول چیست؟

تبلیغات و تهدیدات هر کدام از دو سوی این تقابل را نباید بهیچوجه بی اهمیت تلقی کرد. اما بین آنچه ممکن است و آنچه ضرورتا محتمل است فاصله و تفاوت روشنی وجود دارد. مستقل از این مساله، اکثر ناظران سیاسی معتقدند که جنگ استراتژی اعلام شده هیچیک از نیروهای متخاصم در این جدال نیست. نه جنگ یک رکن استراتژی هیات حاکمه کنونی آمریکا است و نه جمهوری آدم کشان اسلامی به دنبال جنگ با آمریکا است. به هر حال مستقل از استراتژی طرفین، نقش فاکتورهای غیر استراتژک و یا پرووکاسیون و یا اشتباه محاسبه را اصلا نباید دست کم گرفت.

با توجه به آنچه گفته شد من معتقد نیستم که آمریکا و متحدین اش در چنین شرایطی میتوانند دست به چنین ماجراجویی بزنند و یا وارد چنین فازی از تخاصمات شوند. دلایل متعددند. نیروی نظامی آمریکا در حال حاضر توان لجستیکی و موقعیت سیاسی ورود به یک جدال نظامی همه جانبه با رژیم اسلامی و سیاست "رژیم چنج" را ندارد. اکثر ارزیابی های نظامی و سیاسی پیرامون این واقعیت به این مساله اذعان دارند که هر اقدام نظامی محدودی به سرعت به یک جدال و جنگ همه جانبه منجر خواهد شد. جنگی که میتواند خاورمیانه و گوشه هایی از جهان را به آتش بکشد. نتیجتا مخاطرات ورود به چنین فازی برای هر دو طرف و مسلما برای انسانیت بسیار است. از مختل شدن شریان نفتی خاورمیانه گرفته تا زیر ضرب رفتن نظامی مراکز معینی در خاورمیانه و اسرائیل و جنوب اروپا تماما مسائلی هستند که تنها گوشه ای از هزینه چنین اقدامی هستند. بعلاوه غرب فاقد انسجام سیاسی برای ورود به چنین فازی است. به این فاکتور باید سیاست انزوا طلبی آمریکا را در دوران ترامپ را نیز اضافه کرد.

از طرف دیگر حکومت اسلامی، همانطور که خامنه ای بارها تکرار کرده است، میداند قادر به یک مقابله نظامی با آمریکا و ماشین جنگی آن نیستند. رجزخوانی های جنگی را باید از سیاست جنگی کاملا تمیز داد.

به هر حال، واقعیت این است که خطر جنگ، سایه یک فاجعه خونین را در بالای سر جامعه قرار داده است و مردم بحق نگران و مضطربند. چنانچه تقابل و کشمکش دو قطب تروریستی به جنگ تبدیل شود، جامعه دچار صدمات بسیار سنگینی خواهد شد. از این رو ما قرار دادن خطر حمله نظامی و جنگ در بالای سر جامعه را از هر دو سو محکوم میکنیم. ما خطر این جنگ احتمالی را یک فاجعه در زندگی توده های مردم میدانیم. قربانیان این فاجعه مردم اند. عادی ترین مردم. این جدال و کشمکش مردم نیست. توده های مردم کوچکترین منفعتی در چنین جدالی ندارند.

قربانیان اولیه اقدام نظامی و جنگ میان قطبهای تروریستی در درجه اول مردم سرنگونی طلب هستند. مردمی که عملا حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند. در کمین رژیم اسلامی هستند و برای سرنگونی اش روز شماری میکنند. این نیروی اصلی و تعیین کننده سرنگونی رژیم اسلامی است. واقعیت این است که اقدام نظامی محدود نداریم. در صورت شروع عملیات نظامی ما بسرعت شاهد گسترش جنگ و تقابل نظامی طرفین خواهیم بود. در چنین شرایطی جنبشهای اجتماعی و سیاسی که سرنگونی رژیم اسلامی بخشی از هدفشان است، عملا قیچی و به درجاتی حاشیه ای خواهند شد. فضای نظامی و جنگ فضای آسانی برای تقابل و پیشبرد مبارزه با رژیم اسلامی و تقابل نظامی نیست. جنگ یک عامل مخرب در پروسه سرنگونی رژیم اسلامی است. عاملی که عملا میتواند منجر به تضعیف نیروی اصلی و تعیین کننده سرنگونی طلب در جامعه منجر شود. اوباش اسلامی حاکم بر ایران بر "فوائد" این چنین فضایی کاملا واقفند. خلاصه کنم، باید با تمام قوا در مقابل این شرایط ایستاد. نباید گذاشت که جدال و کشمکش این نیروهای ارتجاعی جنبش ما را برای آزادی و برابری و رفاه همگان که پیش شرط تحقق آن سرنگونی رژیم اسلامی است، قیچی کند.

رئوس یک سیاست کمونیستی و کارگری در قبال این جنگ چیست؟

جنگ دو سو دارد. دو نیروی ارتجاعی در دو سوی این کشمکش خونین قرار دارند. در یک طرف عظیم ترین ماشین میلیتاریستی و قلدری جهان معاصر قرار دارد که کارنامه خونینی در کشتار مردم دارد. در سوی دیگر نیرویی ارتجاعی و تروریستی اسلام سیاسی قرار دارد که رژیم اسلامی در محور آن است. نیرویی که تاریخش را با ترور کور و آدمکشی و سنگسار و اعدام نگاشته اند. نتیجتا در مقابله با جنگ باید به هر دو سوی این جدال و جنگ احتمالی خونین پرداخت. ما از زاویه مصالح توده های کارگر و زحمتکش در مقابل هر دو سوی این جدال خونین قرار داریم. ما هیچگونه همسویی با هیچکدام از طرفین این تخاصم نداریم. اردوی ما اردوی بشریت متمدن است. توده های مردم کارکن و زحمتکش. ضد جنگ، ضد رژیم اسلامی، ضد میلیتاریسم و قلدری، برای آزادی، برابری و رفاه همگان. برای یک جامعه آزاد سوسیالیستی.

سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی حلقه اساسی برای دستیابی به یک جامعه آزاد سوسیالیستی است. این سیاست ما چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح در قبال این نیروهای ارتجاعی است. ما برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه میکنیم اما هیچگونه همسویی با قطب تروریسم دولتی، آمریکا و متحدین اش نداریم. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی کار جنبش عظیم کمونیسم کارگری و جنبش های اجتماعی آزادیخواهانه و برابری طلبانه و حق طلبانه است. کسانیکه پروژه سرنگونی شان به توپخانه و ماشین آدمکشی تروریسم دولتی گره خورده است، دوستان مردم نیستند. یک نیروی ارتجاعی اند. آن کسانی که راه رسیدن به کاخ های قدرتشان با خرد شدن استخوانهای مردم هموار میشود، دوستان مردم نیستند. آنها که راه رسیدن به اهدافشان با فقر و فلاکت و بی دارویی مردم هموار میشود، دوستان مردم نیستند.

مبارزه ما برای جلوگیری از جنگ در ایران به تشدید تلاش برای سرنگونی رژیم اسلامی گره خورده است. ما سیاست "دفاع طلبانه"، یا سیاست دفاع از "دولت خودی" نداریم. برعکس مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی حلقه اصلی سیاست ما درمقابله با جنگ است. خطر جنگ را باید با تصرف قدرت سیاسی و اعمال حاکمیت و اراده شورایی توده های مردم در هر گوشه ای از جامعه و کل جامعه، از میان برداشت. هر گونه سیاست "ضد جنگ" که مقابله با جنگ را به نابودی رژیم اسلامی گره نزند، یک سیاست ارتجاعی است.

این سیاست در خارج یک رکن دیگر هم بخود میگیرد. ما در خارج کشور سیاست مقابله با دو قطب ارتجاعی را همزمان دنبال میکنیم. ما اجازه نمیدهیم که جریانات مدافع رژیم اسلامی خود را در صف مردم آزادیخواه و صلح دوست قرار دهند. جنگ دو قطب تروریستی را نمیتوان با همسویی با یک قطب این جدال خونین پیش برد.

برای مقابله با جنگ باید متشکل شد. باید سازمان یافت. باید جنبش سرنگونی طلبانه انقلابی رژیم اسلامی را صاحب رهبری واقعی، رادیکال و کمونیستی خود کرد. باید جنبش مجامع عمومی را سازمان داد و همگانی کرد. باید شوراهای سازماندهی اعتراضات را سازمان داد. باید جلوی تهاجم وحشیانه رژیم به مبارزات کارگری و جامعه را سد کرد. باید رژیم را سرنگون کرد. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی آلترناتیو و راه حل ما برای مقابله با خطر جنگ است. مقابله با دو قطب تروریستی جهان معاصر آلترناتیو ما برای مقابله با خطر جنگ است. راه دیگری نیست.

اما گرایشات راست و ارتجاعی در این چهارچوب کدامند؟ چه نقدی به این گرایشات دارید؟ چگونه میتوان در عین مبارزه همه جانبه برای سرنگونی رژیم اسلامی به مقابله با این گرایشات رفت؟

همواره با تشدید تخاصمات میان دو قطب تروریستی جهان ما شاهد تحرک دو گرایش ارتجاعی و راست در قبال چنین شرایطی هستیم. از یکسو جریان راست پرو غربی و جماعت قوم پرست به دنبال تکرار سناریوی خونین عراق و لیبی در ایران هستند. این جریانات همانهایی که هستند که پرچم "تنکیو بوش" را در قبال حمله نظامی آمریکا به عراق در دست گرفتند و خواهان تکرار آن در مقابله با رژیم اسلامی بودند. جنگ و تحریم اقتصادی علیرغم ادعاهای ظاهری شان یک رکن مهم سناریوی سیاسی این جریانات برای نزدیک شدن به قدرت سیاسی است. این جریانات فاقد نیروی اجتماعی قابل ملاحظه ای در زمین سیاست هستند. از این رو پرچم شان را به توپخانه ارتش آمریکا و ناتو گره زده اند. حمله نظامی اهرم مهم و تعیین کننده این جریانات برای پیشروی سیاسی در تحولات ایران است این یک سوی این تخاصم ارتجاعی است. امیدش به آمریکا و ناتو و کل ماشین نظامی غرب است.

در سوی دیگر این کشمکش جریانات پرو رژیمی قرار دارند. جنبش ملی – اسلامی سرنوشت اش در اساس به موجودیت کثیف رژیم اسلامی گره خورده است. این جریانات میدانند که در صورتیکه این تخاصمات به فاز نظامی همه جانبه کشیده شوند، رژیمی که علی العموم قصد اصلاحش را دارند، دچار تلاطمات بسیاری خواهد شد و احتمالا چیزی از آن برای "اصلاح" باقی نخواهد ماند. این گرایشات مخالف تحریم اقتصادی و حمله نظامی اند نه از آن رو که دلشان برای توده های مردم زحمتکش و ستمدیده سوخته است. نه! نگران سرنوشت و موقعیت رژیم اسلامی اند. مخالفتشان از جنس و زاویه مخالفت خوانیهای جریانات پرو اسلامی است، در آن صف قرار دارند.

ما همواره اعلام کرده ایم که خواهان سرنگونی فوری و انقلابی رژیم اسلامی هستیم. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی پیش شرط تحقق هر گونه تحول آزادیخواهانه و برابری طلبانه و سوسیالیستی در جامعه است. ما در عین حال خواهان پیش برد پروسه ای کم مشقت برای جامعه هستیم. هر گونه دخالت نظامی و یا تحریم اقتصادی عملا منجر به صدمات بسیاری به مردم محروم خواهد شد. مقابله با این شرایط در عین حال یک رکن پیشروی ماست. ما خواهان سازماندهی و رهبری جنبش سرنگونی طلبانه در جامعه هستیم، اما به شدت مخالف هر گونه اقدام نظامی و یا تحریم اقتصادی هستیم. در هر حال مستقل از اینکه چه ارزیابی ای از احتمال حمله نظامی و ورود جدال این دو نیروی ارتجاعی فاز نظامی متقابل و بدون واسطه داشته باشیم، باید برای چنین شرایط احتمالی آماده بود و خود را برای چنین شرایطی آماده کرد.\*